

نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۴۹، دوره هشتم
سال پانزدهم، ۲۹ دی ماه ۱۳۷۷

اروپا، وحدت مالی و پول واحد

با اعلام موجودیت رسمی پول واحد اروپایی، «یورو»، در اولین روز سال جدید مسیحی ۱۹۹۹ (۱۱ دی ماه ۱۳۷۷)، برای نخستین بار در تاریخ معاصر، روند همگرایی همه جانبه ثی میان کشورهای اروپایی از مرحله نظری به مرحله عملی وارد شد. ایجاد «یورو»، آغاز مرحله نوینی در روند یکپارچه شدن اروپا است که سرمایه انحصاری و بازار آزاد، نیروی محرک اصلی آن بوده است. ایجاد «یورو»، چهل سال پس از تشکیل بازار مشترک اروپا، امکانات وسیعی را برای رقابت

ادامه در صفحه ۸

هشدار باش: خطر توطئه ارتجاع برای سرکوب جنبش مردمی جدی است!

پاکسازی کند، و بدین ترتیب تمامی اهرم های حکومتی را در تصاحب خود درآورد. تهدید های فرمانده هان سپاه، ماه ها پیش از آغاز توطئه برای سرکوب خونین دگر اندیشان، سخنان خامنه ای پیرامون هجوم فرهنگی و تهدید به اینکه اگر دولت جلوی زبان ها و قلم های مسموم را نگیرد او خود راساً وارد میدان خواهد شد، و پس از او، یورش وسیع چماق داران حزب الله و انصار حزب الله به روزنامه های مستقل، تشکل های دانشجویی و گروههایی های مردمی، در کنار تهدید های مزدورانی مانند جنتی و بزدی، جای هیچ شکی را باقی نمی گذاشت که ارتجاع گام به گام خود را برای اجرای نقشه سرکوب جنبش آماده می کند.

حزب توده ایران مدت ها پیش بر اساس ارزیابی اوضاع شدیداً بحرانی کشور، در مورد خطر یورش نیروهای ارتجاعی، بقصد سرکوب جنبش، هشدار داد و اعلام کرد: «... ده ها اعتصاب کارگری در کنار فریادهای «مرگ بر استبداد» دانشجویان معترض و همچنین بالاگرفتن برخورد ها درون طرفداران حکومت جمهوری اسلامی، در هفته های آخر سال ۱۳۷۶، که آخرین نمونه آن نامه اعتراضی بیش از ۳۸۵ تن از استادان، محققان و فضایی حوزه های علمی» در اعتراض به رفتار رژیم با آیت الله منتظری بود، زنگ خطری جدی را در گوش سران رژیم «ولایت فقیه» به صدا درآورد... در هفته های اخیر همچنین گزارش هایی پیرامون دیدارهای پنهانی تعدادی از سران رژیم و برخی تصمیم گیری ها برای مقابله با جنبش رو به رشد توده ها، به دست ما رسیده است که بسیار نگران کننده

ادامه در صفحه ۶

روند تحولات در میهن ما سریعاً به سمت مراحل حساس و سرنوشت ساز پیش می رود. بالاگرفتن تنش و برخورد های درون حاکمیت از یک سو، و اوج گیری جنبش مردمی که خواستار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی ست از سوی دیگر، ایران را به بشکه باروتی تبدیل کرده است که هرآن انتظار انفجار آن می رود. ارتجاع و واپس گرایی حاکم، که پایه رژیم «ولایت فقیه» را بیش از پیش لرزان و در خطر می بینند، توده ها و جنبش مردمی و حتی جناح دیگر حاکمیت را به سرکوب تهدید می کنند، و مترصدند تا با استفاده از همه امکانات و توان خود جلو تحولاتی را که در جهت تحقق خواست های مردمی ست، سد کنند.

در هفته های اخیر، با افشای توطئه جنایت بار مدافعان سرسخت «ذوب در ولایت»، و قطعی شدن شرکت آنان در ترور های نفرت انگیز پروانه و داریوش فروهر، دکتر مجید شریف، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، دیگر روشن شده است که این جنایات بخشی از یک توطئه سراسری و همه جانبه برای سرکوب جنبش، و استقرار کامل و بلامنازع حکومتی از نوع حکومت طالبان در ایران بود. ماه ها پیش از این، تمامی ارگان ها، نهاد ها و نیروهای مدافع ارتجاع، تاریک اندیشی و استبداد قرون وسطایی، به شکل هماهنگ و سازمان یافته ثی، تدارک این توطئه شوم را می دیدند و بر این باور بودند که با آغاز کشتار ها، آن چنان جوی از ارباب و ترس سراسر جامعه را فرا خواهد گرفت که مقاومتی در مقابل این جنایات انجام نخواهد شد، و ارتجاع خواهد توانست با اعلام بی کفایتی دولت و نا امن شدن کشور، جناح مقابل را نیز از حاکمیت

مانور شهری یا آمادگی برای سرکوب

با تشدید بحران سیاسی درون و پیرامون حاکمیت و اوج گیری مبارزات توده ای برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، نقش و مسئولیت نیروهای امنیتی، از جمله وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج، به یکی از مهم ترین مسائل بحث انگیز در جامعه ما تبدیل شده است. با قطعی شدن دست داشتن وزارت اطلاعات رژیم در ترور های نفرت انگیز فروهر ها، مجید شریف، محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، خواست پاکسازی این ارگان و محدود کردن اختیارات چنین دستگاه های جهنمی به خواست عمومی توده ها تبدیل شده، و هراس عمیق نیروهای ارتجاعی را برانگیخته است. امروز دیگر روشن است که ترور آزادی خواهان، تنها بخشی از نقشه ثی همه جانبه برای سرکوب خشن و خونین جنبش توده ای بود. در راستای تحقق چنین برنامه شومی بود که در روز پنجم آذرماه امسال، مانور بزرگ شهری نیروهای سپاه پاسداران و بسیج با حضور ۵۰۰ هزار نفر در قالب ۹۰۰ گردان در سراسر کشور برگزار شد! رحیم صفوی، فرمانده کل نیروهای سرکوبگر سپاه، پیش از برگزاری این مانور، اهداف آن را چنین توصیف کرده بود: «... بزرگترین مانور پس از انقلاب که به صورت متمرکز و سراسری در مناطق شهری و روستایی با استعداد بیش از ۵۰۰ هزار نفر بسیجی در قالب گردانهای «عاشورا» و

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

دمکراسی برای ایران خود مختاری برای کردستان

در صفحه ۴، ۵

یورش به نماز جمعه اصفهان در ص ۲

حمایت «ولی فقیه» از چماق داران در ص ۲

صنایع داخلی در آستانه ورشکستگی در ص ۲

«طبقه» و «مبارزه طبقاتی» در ص ۵

پایان کار یلتسین در ص ۷

سیرالئون در آتش جنگ در ص ۷

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

اخبار و گزارش های کوتاه

مسکن گران ترین کالای خانوارهای ایرانی

بر اساس گزارش روزنامه همشهری، وزیر مسکن دولت خاتمی با اشاره به وضعیت وخیم مسکن در جمهوری اسلامی، تاکید کرد که، مسکن گران ترین کالایی است که ۹۰ درصد مردم باید آن را خریداری کنند. در شرایط حاضر، تولید مسکن در هر سال نسبت به تقاضا عقب می ماند. نیاز سالانه کشور در بخش ساخت و سازهای مسکونی حدود ۵۶۰ تا ۶۰۰ هزار واحد است، اما تا کنون میزان ساخت و ساز به رقم ۲۵۰ تا حداکثر ۳۰۰ هزار واحد محدود مانده است.

اعتراض های دهقانی در استان خراسان

کشاورزان روستاهای تربت حیدریه، تایباد و تربت جام، در استان خراسان، نسبت به اقدامات بنیاد مستضعفان اعتراض کرده و طوماری را به امضاء رسانده اند. روزنامه اخبار چاپ تهران با انتشار این خبر نوشت، بنیاد مستضعفان اغلب چاه های آب این روستاها را به مالکیت خود درآورده است. دهقانان در طومار امضاء شده خود، تهدید به راه پیمایی در شهرها کرده اند.

واحدهای تولیدی و صنعتی کرمانشاه تعطیل می شود

بر اساس گزارش روزنامه «کار و کارگر»، مدیر کل صنایع استان کرمانشاهان رسماً اعلام داشت، در چند سال اخیر ۶۸ واحد تولیدی این استان تعطیل و کارگران این واحدها بیکار شده اند. کمبود نقدینگی و فرسودگی دستگاه های تولید و ضعف شدید مدیریت، از دلایل مهم تعطیلی این واحدها بوده است. کارخانه های تعطیل شده در رشته های نساجی، مواد غذایی و قطعات صنعتی فعالیت می کردند. به گزارش روزنامه کار و کارگر، هم اکنون بیش از ۱۲ هزار نفر در ۴۲۶ واحد تولیدی این استان مشغول بکار هستند.

صنایع داخلی در آستانه ورشکستگی

در جلسه هیات مدیره شوراهای اسلامی کار، پس از مشاجرات زیاد، فاش شد که به دلیل مدیریت ناصحیح، کمبود نقدینگی و ورود بی رویه کالاهای خارجی به داخل کشور، وضعیت صنایع ملی و داخلی اعم از نساجی، صنعتی و تولیدی در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفته است.

افزون بر این، روزنامه «کار و کارگر» می نویسد، کارگران ۴۵۰ واحد تولیدی در سطح کشور به میزان ۲ تا ۱۱ ماه حقوق دریافت نکرده اند و تنها در طول هشت ماه سال جاری ۱۴۰ هزار نفر در اثر سانحه های کارگری آسیب دیده و یا ناقص العضو شده اند! در مورد کارگران پیمانی اعلام گردید که، بیش از ۴۰۰ هزار نفر کارگر پیمانکار از هرگونه حقوق اولیه مانند لباس کار، کفش و مایحتاج اولیه محروم اند و حدود ۱۲۰۰ واحد مسکونی نیمه تمام به قصد عدم واگذاری به کارگران تخریب شده است.

تحصن خانواده های ماهیگیران بندرانزلی

در ادامه اعتراضات متعدد ماعیگیران استان گیلان، در روز اول آذرماه امسال، صدها تن از خانواده های ماهیگیران، زنان، کودکان و سالخوردهگان، در مقابل فرمانداری بندرانزلی تجمع کرده و متحصن شدند. سیاست رژیم باعث فقر ماهیگیران شده است.

انقلاب، نظام و ارزش ها بگویند و هیچ کس آنها را مواخذه نکند...»

حمایت خامنه ای از چماق داران

سید علی خامنه ای در جریان نماز «عید فطر»، که روز دوشنبه ۲۷ دی ماه، در دانشگاه تهران برگزار شد، ضمن تکرار مجدد احساس خطر نسبت به سرنوشته «نظام» و انقلاب از جمله گفت: «برخی از افراد با بیهود نوشتن و بیهود گفتن، برای خدشه دار کردن وحدت ملی تلاش می کنند... کسانی که برای منافع کوتاه مدت خود، مایلند موجی در اقیانوس آرام ملت ایران به وجود آورند و خاطر مردم را آشفته کنند، بدانند که سودی نخواهند برد.»

خامنه ای با اشاره غیر مستقیم به برخوردها در نماز جمعه اصفهان، اضافه کرد: «نماز جمعه مظهر تجمع، وحدت و نزدیکی دلهاست و اگر اختلافی وجود دارد، جای طرح آن در نماز جمعه نیست و همه باید بدانند که دشمن از تبدیل نماز جمعه، یعنی مظهر اجتماع، به مظهر اختلاف، لذت می برد... ائمه جمعه از طرح هرگونه مسائل اختلاف برانگیز و تفرقه افکن پرهیز کنند...»

فتیله بحث های خطرناک

هاشمی رفسنجانی، در نماز جمعه، ۲۵ دی ماه، تهران ضمن هشدار باش در باره خطراتی که «نظام» و انقلاب را تهدید می کند، از جناح های گوناگون رژیم خواست تا «فتیله بحث ها» خطرناک را پائین بکشند و گرنه برای همه گران تمام خواهد شد.

رفسنجانی در این سخنان از جمله گفت: «ما همدیگر را متهم و لکه دار می سازیم و به جان هم می افتیم. دشمن خوشحال می شود و روی همه این حرف ها سوار می شود و برای زیر سؤال بردن حتی انقلاب، جان می گیرد... شخصیت ها یکدیگر را می شناسند اگر بحثی هست و ابهامی وجود دارد، مذاکره کنند تا برطرف شود... طرفداران هر دو جناح افرادی مخلص، پاک، انقلابی و در دوران قبل و بعد از انقلاب، «یار غار» یکدیگر بوده اند.»



یورش به نماز جمعه اصفهان

بر اساس گزارش های رسیده، چماق داران رژیم به نماز جمعه این هفته، ۲۵ دی ماه، در اصفهان یورش بردند و با پرتاب میله آهنین و سنگ از برگزاری آن جلوگیری کردند. روزنامه کیهان، یکشنبه ۲۷ دی ماه، در گفت و گویی با سید محمد ابطی، نماینده مردم خمینی شهر اصفهان، در مجلس شورای اسلامی، پرده از روی علل واقعی یورش به نماز جمعه برداشت و از جمله نوشت: «از دو هفته قبل با شروع یک سری حرکات بسیار سخیف و زشت در اصفهان، امام جمعه شهر در مراسم نماز جمعه دو هفته پیش بدون کمترین توجیه و اساس منطقی وزارت اطلاعات را مورد هجمه وسیع قرار داده و نمایشگاه روشنگرانه پیچک انحراف را که از افتخارات وزارت اطلاعات در افشای چهره خبیث باند مهدی هاشمی بود زیر سؤال برد و نیز پیش از آن آنچه که باعث نگرانی مردم شریف و متدین اصفهان شد جلساتی بود که تحت نظر ایشان در حسینیه اعظم اصفهان طی ایام ماه رمضان برگزار شد و در آن چهره های نفاق و جریان منفور باند مهدی هاشمی معدوم گستاخانه اصول و نهادهای نظام را مورد حمله قرار دادند و همه شالوده نظام را زیر سؤال بردند.»

به گفته ابطی: «ناآرامی در مراسم نماز جمعه اصفهان با توجه به هتاکی های هفته های پیش از آن نسبت به ارزش های اسلامی و انقلابی قابل پیش بینی بود... الان بسیاری از مردم متدین، متشع و انقلابی اصفهان [منظور البته چماق داران و قمه کشان سیاه و نیروهای سرکوبگر است] بین برخورد با هتاکی برخی شخصیت ها و موقعیت مقدس نماز جمعه دچار تحیر و تردید شده اند و منتظرند به نحوی تکلیفشان روشن شود تا در برابر تحرکات ضد انقلابی بعضی افراد اقدام اساسی [لابد از همان نوع اقدام های اساسی که در مورد فروهر ها، مختاری ها و پوینده ها انجام شد] صورت دهند... آقایان انتظار نداشته باشند هرچه دلشان می خواهد علیه

ادامه مانور شهری یا آمادگی برای ...

«الزهر» انجام می شود... کسب آمادگی برای مقابله با هرگونه ناامنی و تهدید داخلی و خارجی، تجدید سازمان و رفع کمبودهای گردانهای «عاشورا» و «الزهر» و تکمیل اطلاعات ارتش ۲۰ میلیونی برای شناسایی توطئه های دشمن و تمرین هماهنگی با کسانی که مسئولیت امنیت شهرها را دارند، از اهداف عمده مانور است...»

علاوه بر این، یکی از فرماندهان بلند پایه سپاه پاسداران در شهر اهواز نیز، مهم ترین اهداف مانور مذکور را «حفاظت از مراکز حساس و مهم، کنترل عبور و مرور و ایست و بازرسی در محل های حساس» عنوان کرد. سخنان فرماندهان سپاه پاسداران و اهداف تعیین شده این مانور، جای ذره ای تردید باقی نمی گذارد که، مانور بزرگ شهری در پنجم آذرماه که در عین حال بزرگ ترین نمایش قدرت از سوی سپاه و بسیج بوده است، عبارتست از کسب آمادگی لازم و ضرور برای مقابله با جنبش روبه رشد اعتراضی، و نیز چنگ و دندان نشان دادن به مردم به منظور ارباب آنها! پرسش اینجاست که چرا نیروی سرکوبگر و ضد ملی سپاه پاسداران در شرایط کنونی دست به نمایش قدرت زده است؟ چه حوادث و رخدادهایی، فرماندهان مزدور سپاه را به هراس افکنده؟ و مهم تر اینکه، چرا دو دهه پس از حاکمیت سپاه رژیم واپس گرای ولایت فقیه، نیروهای سپاه و بسیج باید بزرگ ترین مانور خود را برای مقابله با تهدیدات داخلی و حفاظت از مراکز حساس و مهم، آنها در حال حاضر، برگزار کنند؟!!

پاسخ به این پرسش ها، کاملاً روشن است. رژیم ولایت فقیه در چنان اوضاعی قرار گرفته است که بیش از هر زمان دیگری، نیروی مردم میهن ما، بقاء و تدوام آن را تهدید می کند! کارگران، زحمتکشان، کارمندان، جوانان، دانشجویان و زنان، با برپایی اعتراضات متعدد و توسل به شیوه های متنوع، خواست و اراده خود را برای دستیابی به آزادی و عدالت اجتماعی به نمایش گذاشته اند. رشد روحیه مبارزه جویی و بیان خواست و آماج جنبش مردمی به معنای پایان حیات ننگین و خون آلود رژیم ولایت فقیه ست. درست به همین سبب است که، سپاه پاسداران واکنش نشان داده و دست به تمرین نظامی در سطح شهرهای کشور می زند تا برای رویا باخیزش مردمی آمادگی لازم را کسب کند! در این ارتباط و برای پی بردن ژرفای نگرانی سران و مسئولان جمهوری اسلامی، و درک ناامیدی و بی دورنمایی آنان و نیز توسل جستن آنها به یگانه سیاست سنتی شان یعنی سرکوب خونین، توجه به موضع گیری های برخی از چهره های اصلی رژیم ولایت فقیه ضروری است.

پیش از برگزاری مانور بزرگ شهری سپاه پاسداران، خبرگزاری جمهوری اسلامی در اول آذرماه سال جاری، خبر بازدید و سخنرانی رفسنجانی از دانشگاه امام حسین، وابسته به سپاه، را انتشار داد. رفسنجانی در این دیدار، از جمله تاکید کرده بود: «... در دوران انقلاب گروهک ها فعال بودند ولی خوشبختانه انقلاب با تدبیر عاقلانه [زندانیان، شکنجه و اعدام] توانست آنها را ساکت و آرام کند... حالا بعضی از آدمها با زبان به اصطلاح انقلابی می خواهند این دوره را به زیر علامت ستوال ببرند. عده ای همه اینها را زیر ستوال می برند و روی زندان ها و محاکمه ها انگشت می گذارند و عده ای هم ادعاهای واهی دارند که، باید بعد از فتح خرمشهر باید چنین و چنان می شد... وقتی دوران تثبیت، جهاد مقدس و سازندگی ملت زیر ستوال رفت، قدم بعدی آن است که، اصل انقلاب (بخوان رژیم ولایت فقیه) را زیر ستوال ببرند... این یک مرحله بسیار جدی است و ما نباید غافل

بشویم... دشمن توطئه می کند، باید هوشیار باشیم...» این سخنان رفسنجانی گویای هراس و نگرانی ژرف سردمداران ارتجاع است. «تهدید دشمن» به معنی مبارزه جدی مردم ست، و به زیر «ستوال» رفتن اصل «انقلاب» به معنای خواست اکثریت مردم میهن ما برای طرد و نفی استبداد و ارتجاع در پوشش ولایت فقیه است! همچنین، ناطق نوری سخنان مشابهی به زبان رانده است. وی در جریان سخن رانی در مجمع سراسری دانشجویان و طلاب بسیجی، در اول آذرماه، اعلام داشت: «... هنوز یک دهه از مرگ امام نگذشته که در برخی دانشگاهها و دانشکده ها امام به محاکمه کشیده می شود، و در تربیون آزاد جوانی پشت تربیون می رود و بیش از ۳۰۰ مورد تخلفات امام از قانون اساسی را بر می شمارد و بعد هم برای او دست بزنند... در یکی از دانشکده ها جوانان می گویند انقلابی کسی ست که در برابر حاکمیت بایستد و ضد انقلاب نیروهای درون حاکمیت هستند و بعد هم برای اینان کف می زنند و تشویق می کنند...»

با توجه به این گونه ارزیابی های نگرانی آور است که، مدافعان استبداد و ارتجاع نقشه های شومی برای مردم کشیده اند. مانور بزرگ سپاه پاسداران و بسیج در شهرهای سراسر کشور، بخشی از این نقشه های خطرناک به شمار می آید، و در واقع برای عملی ساختن «بریدن زبانها و زدن گردنهای» انجام می شود. برگزاری مانور ۵۰۰ هزار نفری در تمامی شهرهای کشور، تلاش آشکار برای آمادگی به منظور سرکوب جنبش مردمی ست. حزب توده ایران، به کرات هشدار داده است که سپاه پاسداران بنا به سرشت ضد مردمی و ضد ملی خود، نقش به شدت ارتجاعی در تحولات میهن ما ایفا کرده و خواهد کرد.

سپاه پاسداران، نقش بازوی ارتجاع و مدافعان ذوب در ولایت را بر عهده دارد، و فرماندهان مزدور و مردم ستیز آن همه گونه امکانات را برای حفظ رژیم بکار خواهند برد، زیرا منافع سرشار مالی و موقعیت ممتاز طبقاتی آنان با بقاء رژیم ولایت فقیه گره خورده است. سپاه پاسداران از هر نوع روش برای مقابله با مردم استفاده خواهد کرد، و از به راه انداختن حمام خون روی گردان نیست و نخواهد بود! در اوضاع کنونی، باید با تمام توان به افشاء سپاه پاسداران پرداخت، و توطئه فرماندهان مردم ستیز آن را خنثی کرد. به اعتقاد ما تشکیل جبه واحد ضد دیکتاتوری برای نجات میهن، امروزه بیش از پیش به ضرورتی انکار ناپذیر بدل شده است و تنها از این طریق می توان نقشه های ارتجاع و بازوی سرکوبگر آن، یعنی سپاه پاسداران را نقش بر آب کرد!

ادامه واژه نامه اجتماعی - سیاسی

طبقاتی از برخورد علمی مارکسیستی بدور است. مارکسیسم، هرگز منکر لزوم بررسی آنتروپولوژیک (انسان شناسانه) تاریخ که برخی عوامل و عناصر مربوط به نوع انسان را در نظر می گیرد، نبوده و نیست. نظریه «مبارزه طبقاتی» را باید همه جانبه، ژرف و در ارتباط با مجموعه آموزش مارکسیسم-لنینیسم در نظر داشت، و آن را سطحی و ملاقطی بکار نبرد. باید از انطباق مکانیکی، برخورد تجریدی، غیر علمی بکله ی پرهیز کرد. مارکسیسم با جمود و خشک اندیشی بیگانه است.

در جهان معاصر، در دورانی که امپریالیسم با تمام نیروی خود در جهت برقراری نظم نوین جهانی تلاش می کند، رشد تضادهای جامعه، چه در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و چه در جهان واپس نگاه داشته شده، مراحل حادی را می گذراند. امروزه بیش از هر زمان دیگری صحت نظریه مارکسیستی «مبارزه طبقاتی» خودنمایی می کند.

منابع:

- ۱- واژه نامه سیاسی - اجتماعی، امیر نیک آیین، آذرماه ۱۳۶۵
- ۲- واژه نامه ویژه برنامه حزب توده ایران - ۱۳۶۵
- ۳- بنیاد آموزش انقلابی - احسان طبری - ۱۳۵۰
- ۴- ماتریالیسم تاریخی، کتاب دوم، امیر نیک آیین - تیرماه ۱۳۶۶

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

به مناسبت دوم بهمن، سالگرد حکومت خود مختار کردستان ایران

دمکراسی برای ایران خود مختاری برای کردستان

داشت. و اینکه حکومت خود مختار طی یک سال توانست به اقدامات بزرگ و ریشه ای دست زند، علاوه برخواست و اراده مردم کردستان، به این عامل اساسی نیز مربوط می شد.

۴- جنبش دوم بهمن، دارای برنامه ئی واقع بینانه بود. برنامه اصلاحات دمکراتیک و مردمی را، با توجه به امکانات مساعد آن زمان، به اجرا گذاشت. این امر تجربه ئی ارزشمند در مبارزه سراسری مردم ایران محسوب می گردد.

با توجه به این تحولات کیفی و نقاط روشن است که باید تصریح کرد، جنبش دوم بهمن اصول بنیادین و کلی و عام رشد و تکامل آتی مبارزات مردم کردستان ایران، را ترسیم و مشخص ساخته است. امروزه پس از گذشت بیش از نیم سده از تاسیس حکومت خود مختار کردستان ایران کماکان آموزش ها، تجربیات و روح جنبش دوم بهمن زنده و راهنمای مبارزان صدیق راه رهایی مردم کردستان و تحقق شعارتاریخی حزب دمکرات کردستان یعنی دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان است!

در سالیان اخیر، رژیم ولایت فقیه تلاش گسترده ئی را به کار برده است تا شعله مبارزات حق طلبانه مردم کرد به خاموشی گرائیده شود. ترور و سرکوب خونین، در کنار به کارگیری جنگ روانی تبلیغاتی برضد حزب دمکرات کردستان ایران، از زمره شیوه های رژیم اند. ایجاد تفرقه و دو دستگی، پاشیدن بذر بدبینی و دشمنی بین احزاب و سازمان های مترقی، ایجاد موانع متعدد با توسل به روش های پیشرفته جنگ روانی - تبلیغاتی بین احزاب و غیره کماکان با شدت و حدت اجراء می شوند. حزب توده ایران همواره بر این اعتقاد بوده است که با هوشیاری و دوری جستن از دام های توطئه گرانه رژیم ولایت فقیه، اقدامات آنها را باید عقیم گذاشت. به گمان ما، اتحاد عمل نیروهای آزادی خواه و مترقی یکی از مهم ترین ابزارهای رویارویی با دشمن آشکار و مکار است.

در این راه، بررغم وجود دشواری های مختلف و گاه جدی، می باید شجاعانه و با درایت حرکت کرد. با پرهیز از پافشاری بر برخی اختلافات و مسائل مربوط به گذشته، که می توان آنها در آینده در شرایط مناسب و بدور از پیش داوری حل کرد. با توجه به منافع مردم ایران که خلق کرد جزء جدایی ناپذیر و متساوی الحقوق آن است، باید به مسئولیت تاریخی خود، یعنی اتحاد عمل میان نیروهای مترقی و آزادی خواه جامعه عمل پوشاند. شرایط از هر نظر برای تحقق اتحاد مهیا است. رژیم ولایت فقیه پس از «نه» تاریخی مردم در دوم خرداد با بحران جدی روبروست. توده های مردم بیش از هر زمان دیگری در برابر حاکمیت قراردارند. روند پرشتاب حوادث در داخل کشور، مسئولیت تاریخی ما را دو چندان می کند. از سوی دیگر، بخش مهمی از احزاب و سازمان های مترقی و چپ، ارزیابی های واحدی از رویدادها دارند. با وجود برخی تفاوت های غیر عمده، امروزه بسیاری از نیروهای صدیق معتقدند که در چارچوب رژیم ولایت فقیه امکان تحول وجود ندارد، و باید با سازماندهی جنبش مردمی و تجهیز آن به شعارهای دقیق، در راه طرد و نفی رژیم ولایت فقیه که خود از مراحل مختلف می گذرد، مبارزه کرد. در هم شکستن سد استبداد و ارتجاع وظیفه مبرم مورد توجه و هدف این نیروهاست. از جمله حزب دمکرات کردستان ایران بدرستی تاکید و اشاره می کند: «... برای مردم ایران دیگر جای هیچ گونه شک و تردید باقی نمانده است که در چارچوب نظام ولایت فقیهی،

تاریخ مبارزات مردم میهن ما، مملو از رخدادهای گوناگون و روزهای پر فراز و نشیب است. چنان که هر یک در جای خود تجربه و دستاوردی ارزشمند به حساب می آید. یکی از این روزها که دارای اهمیت فراوانی نیز هست، دوم بهمن ماه سال ۱۳۲۴ است که طی آن پایه گذاری حکومت ملی و خود مختار کردستان ایران به رهبری زنده یاد قاضی محمد، اعلام گردید. «برقی که از روزها پیش می بارید کوه و صحرا را پوشانده بود. راه ماشین رو بین شهرها گاهی روزهای متوالی مسدود می ماند. در اکثر مناطق اسب نیز تا شکم در برف فرو می رفت و از حرکت باز می ماند. راه پیمایی به روی قشر فوقانی منجمد شده برف مطمئن ترین طرز مسافرت بود. زمهریرسوزانی که با غریبی سهمگین در صخره ها و درختان عور می پیچید و کوه های برف را از سوئی به سوئی می راند، حرکت را بر روندگان مشکل تر می ساخت، در چنین زمستانی اواخر دیماه سال ۱۳۲۴ هزاران نفر چارق به پا و تفنگ بردوش و عصا به دست با بسته ای نان و توشه راه بر پشت پیاده و سواره و عده ای با اسب و با ماشین از مسافت دور و نزدیک به سوی مهاباد برای شرکت در مراسم تاسیس حکومت ملی در کردستان در حرکت بودند... شهر مهاباد که آن زمان کمتر از ۲۰ هزار نفر سکنه داشت، چندین هزار میهمان یعنی نمایندگان خلق را به آغوش باز پذیرفت. روز دوم بهمن سال ۱۳۲۴ تحت رهبری حزب دمکرات کردستان ایران در میتینگ عظیم نمایندگان خلق که نقش مجلس موسسان را بازی می کرد. برای اولین بار در تاریخ خلق کرد، حکومت خود مختار دمکراتیک کردستان در داخل ایران اعلام گردید و قاضی محمد یکی از چهره های درخشان تاریخ معاصر کردستان و سرتاسر ایران به رهبری این حکومت برگزیده شد...» (به نقل از اسناد و دیدگاه ها - صفحات ۹۴ - ۹۵)

تاسیس حکومت خود مختار کردستان ایران، در شرایط مساعد داخلی و خارجی صورت پذیرفت. این حکومت خود مختار، همانند حکومت خود مختار آذربایجان، منشاء خدمات انکار ناپذیری در زندگی مردم منطقه شد. گرچه طول عمر این دو حکومت خود مختار کوتاه بود، ولی دستاوردهای تاریخی آنها، مانند اصلاحات دمکراتیک ریشه ای به سود زحمتکشان، اعتلای فرهنگ بومی، تشویق و رواج روح برادری و دوستی میان ملت های ساکن ایران ماندگار و در تاریخ نیم سده اخیر کشورما کم نظیراند. بعلاوه، باید تاکید جدی کرد که جنبش دوم بهمن آغاز یک تحول کیفی و چرخش بنیادین در تاریخ خلق کرد به حساب می آید. این تحولات کیفی و بنیادین بطور فشرده عبارتند از:

۱- جنبش دوم بهمن به سلطه انحصاری سنتی طبقه فئودال و عشایر بر جنبش ملی و آزادی بخش کردستان ایران پایان داد و نمایندگان واقعی خلق را در صف مقدم قرار داد. در ضمن، جنبش دوم بهمن برخلاف کلید نهضت های سابق کردستان ایران، زیر رهبری و سازماندهی یک حزب انقلابی، یعنی حزب دمکرات کردستان ایران پدید آمد و به پیروزی رسید، و این واجد اهمیتی حیاتی بود.

۲- جنبش دوم بهمن و حکومت خود مختار کردستان ایران، در شناخت دوستان و دشمنان داخلی و خارجی توانایی، آگاهی و درایتی قابل ستایش را به نمایش گذارد. در داخل کشور، با جنبش سراسری مردم ایران تحت رهبری حزب توده ایران پیوند داشت، و در خارج، از حمایت خلق ها و احزاب کارگری و کمونیستی و کشورهای سوسیالیستی برخوردار بود.

۳- حکومت خود مختار کردستان به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، مساله خلق کرد را همچون بخش جدائی ناپذیر از جنبش آزادی بخش و دمکراتیک سراسری ایران، قلمداد می کرد و با آن پیوند تنگاتنگ

ادامهٔ دموکراسی برای ایران ...

واژه نامهٔ سیاسی - اجتماعی

طبقه اجتماعی و مبارزه طبقاتی

پس از فروپاشی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در اروپا، بخش مهمی از جامعه شناسان و نظریه پردازان مدافع نظام سرمایه داری، مبارزه طبقاتی را پایان یافته و مقوله «طبقه» و نظریه «مبارزه طبقاتی» را نادرست، بی پایه و ساخته ذهن مارکسیست ها اعلام کردند. این نظریه پردازان، بارد مبارزه طبقاتی، نظریه «صلح طبقاتی»، «منافع فرا طبقاتی»، «آشتی میان طبقات» و جز اینها مطرح کرده و تبلیغ می کنند.

مقوله «طبقه» یک کشف مارکسیستی نیست، که آن را ساخته و پرداخته ذهن مارکس و انگلس بتوان دانست. پیش از آنان نیز دانشمندان و تاریخ نگاران دیگری به وجود طبقات در جامعه و تقسیم افراد و انسان ها به گروه های اجتماعی پی برده بودند. مارکسیسم در غنی ساختن و درک علمی این مقوله، و نظریه علمی طبقات و مبارزه طبقاتی سهم بنیادین داشته است. کشف پایه عینی تقسیم جامعه به طبقه در عرصه تولید مادی، دستاورد بزرگ مارکسیسم در علوم اجتماعی قلمداد می شود. طبقات همیشه و از همان آغاز پیدایش جامعه بشری وجود داشته، ولی دو مقوله «جامعه» و «طبقه» لازم و ملزوم یکدیگر نیستند. کشف بزرگ مارکس در اینجاست که بر مبنای اقتصادی پیدایش طبقات تکیه می کند، و وجود طبقات را تنها با مراحل تاریخی معین تکامل تولید مربوط می داند. طبقه اجتماعی به گروه بزرگ انسان ها که دارای شاخص ها و خصوصیات اجتماعی مشترک بوده و توسط این شاخص ها و ویژگی ها از گروه های دیگر متمایز می شوند، اطلاق می گردد.

چهار شاخص عمده در تعریف مقوله، طبقه، عبارتند از:

- الف - جای و مقامی که افراد در نظام تولیدی مربوطه احراز می کنند. برای شناخت هر «طبقه» باید مقام و جای آن را در سیستم معین تولیدی مشخص کرد.
- ب - مناسبات و رابطه ای که یک گروه افراد انسانی با وسایل تولید دارد. در تعیین هر «طبقه» و تعلق طبقاتی افراد باید در نظر داشت که این افراد دارای مالکیت بر وسایل تولید اند یا نه، و چه نوع مالکیتی دارند و در چه حد!
- ج - نقش افراد و هر گروه در سازمان اجتماعی کار، در صورت بندی های مختلف هر «طبقه» دارای نقش معین در سازمان اجتماعی کار است.
- د - سرانجام، چگونگی به دست آوردن بخشی از ثروت های جامعه و مقدار این بخش، به معنای شاخص توزیع نعم مادی است.

با توجه به این شاخص های عمده، لنین تعریف دقیق علمی و کلاسیک مقوله «طبقه» را به دست داده است. او نوشته است: «طبقات» گروه های بزرگ از انسان ها هستند که به سبب جای خود در سیستم تولید اجتماعی دوران معین تاریخی، به دلیل رابطه خود با وسایل تولید که اغلب در قوانین تسجیل و فرموله می شود و به دلیل نقش خود در سازمان اجتماعی کار، و بنابراین بر پایه شیوه های دریافت و میزان آن سهمی از ثروت های اجتماعی که در اختیار دارند، از یکدیگر متمایز می گردند. طبقات آن چنان گروه هایی از افراد اند که گروهی از آن ها می توانند به برکت اختلاف مقام در شیوه معین اقتصادی - اجتماعی، کار گروه دیگر را به تصاحب خود درآورند...»

اصطلاحاتی نظیر «طبقه زنان»، «طبقه جوان»، «طبقه کارمندان»، «طبقه بازنشستگان» و نظایر این ها نادرست و فاقد پایه علمی است. به بیان روشن تر قشر، لایه و گروه های صنفی، سنی و جنسی معین را نباید با طبقه اجتماعی اشتباه کرد. درست است که افراد بنا به وابستگی های صنفی، سنی و جنسی دارای منافع گاه مشترک و نقاط متشابه اند، ولی نباید فراموش کرد که هر یک از افراد این لایه ها و قشرها دارای منافع طبقاتی و تعلقات طبقاتی خاص خود اند.

بر پایه چنین درک علمی است که مارکسیسم، نظریه «مبارزه طبقاتی» را بر شالوده عینی توضیح و تدوین می کند. مبارزه طبقاتی امری نیست که کسی آن را ابداع کرده و یا کنترل و اداره کند و یا آن را به دلخواه به وجود بیاورد. مبارزه طبقاتی به طور عینی و مستقل از خواست و اراده این یا آن فرد و تمایل طبقات اجتماعی جریان دارد. مارکس و انگلس در «مانیفست» ضمن بررسی موشکافانه صورت بندی های مختلف، یادآور می شوند که بررسی تاریخ همه جوامع نشان می دهد که تاریخ جامعه های طبقاتی عبارتست از تاریخ مبارزه طبقات.

مبارزه طبقاتی، در تمام جوامع منقسم به طبقات متخاصم، نیروی محرکه اساسی است. مبارزه طبقاتی، مبارزه ای است که به اشکال گوناگون بین طبقات استثمارگر و استثمار شونده، جریان داشته و دارد، و مظهر سرشت و خصلت آشتی ناپذیر منافع این دو طبقه متخاصم است. بدون مبارزه طبقاتی پیشرفت اجتماعی روی نمی دهد. شکل عالی مبارزه طبقاتی، انقلاب اجتماعی است. مبارزه طبقاتی، یک پدیده اتفاقی نیست، بلکه قانون عینی تکامل تاریخ و جامعه است. نکتهٔ پراهمیت در درک و آموزش و کاربست، نظریه «مبارزه طبقاتی»، توجه جدی به خصلت علمی و آفرینشگر این نظریه است.

مارکسیسم، ضمن تأکید بر توجه نخست و اساسی به وجود طبقات، وابستگی طبقاتی، ماهیت طبقاتی و منافع طبقاتی، خاطر نشان می سازد که هر نوع جمود، خشک اندیشی و مطلق گرایی در آموزش نظریه «مبارزه

باید انتظار داشت که مردم ایران برای نشان دادن ضدیت خود با اصل ولایت فقیه و نفی ماهیت استبدادی و آزادی ستیزانه جمهوری اسلامی از فرصتی که پیش رو دارند کمال استفاده را خواهند کرد...» (نشریه «کردستان»، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۲۶۲، سال ۱۳۷۷، صفحه ۶).

ما با این نظر کاملاً توافق داریم، و باید اضافه کنیم که نباید گذاشت وجود کدورت های قابل حل، مانع از آن شود که مردم از فرصت کنونی کمال استفاده را بکنند. از اینرو، در برابر تاریخ و مردم مسئولیت سنگینی بر دوش ماست.

کوتاه سخن: گرامی داشت جنبش دوم بهمن، به معنای تجدید عهد با این مبارزه و تأکید بر روح و اصول آن است. حزب توده ایران به طور سرشتی و گسست ناپذیر، با مبارزه خلق کرد به رهبری حزب دمکرات کردستان ایران پیوند داشته و دارد. فراز و فرودها، اشتباهات و شکست ها، هرگز نمی تواند و نتوانسته این پیوند ورشته مستحکم را از هم بگسلد. چشم بستن بر این واقعیت، با روح جنبش دوم بهمن منافات دارد. حزب توده ایران در سالگرد جنبش دوم بهمن باردیگر بر عزم خود در راه مبارزه برای حقوق ملی - خلق های ساکن ایران تأکید می کند. ما در این راه رزمیده ایم، می رزمیم و خواهیم رزمید!

حزب توده ایران و مساله ملی از برنامه حزب مصوبه چهارمین کنگره

«ایران کشوری است کثیرالمله که در آن ملت های گوناگون (فارس ها، آذربایجانی ها، کردها، بلوچ ها، عرب ها و ترکمن ها) زندگی می کنند. و دارای سرزمین، زبان، آداب و آئین و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر این، اقلیت های مذهبی - ملی در سراسر کشور، به صورت پراکنده زندگی می کنند. رشته های گوناگونی خلق های گوناگون کشور ما را به هم پیوند می زند. آنها طی سده های متوالی تاریخ، سرنوشت مشترکی داشته اند و دست در دست هم، در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی کشور ما با هم همکاری کرده اند، و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش دوشادوش هم، فداکاری های بی شماری کرده اند.

• حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه خلق های ایران و اقلیت های ملی و مذهبی، و خواهان اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد و بر پایه حفظ تمامیت ارضی ایران است. بر این اساس، حزب توده ایران، طرفدار سرسخت تأمین حق کامل خلق های ایران در تعیین سرنوشت خویش، و شناسایی حق اقلیت های ملی - مذهبی ساکن ایران (ارمنی، آسوری، زرتشتی، کلیمی، بهایی و جز آن) در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی است.»

ادامه هشدار باش: خطر توطئه ارتجاع ...

است... نیروهای ارتجاعی خوب می دانند که در صورت ادامه شرایط کنونی، خطر جدی رژیم «ولایت فقیه» را تهدید می کند و بنابراین چاره کار را در سد کردن رشد جنبش مطالباتی توده ها و سرکوب آن می بینند» (از اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، ۱۱ فروردین ماه ۱۳۷۷، نقل از «نامه مردم»، شماره ۵۲۹).

ما سپس با اتکاء به برخی از رویدادها در آغاز سال ۱۳۷۷، از جمله شرکت ده ها هزار نفر از زحمتکشان، جوانان و زنان کشور در مراسم بزرگداشت جنبش دوم خرداد ماه، برگزاری تظاهرات نمایی توسط سپاه در قم و اصفهان که مزدوران رژیم در آن شعار می دادند «وای اگر خامنه ای حکم جهادم دهد» و سخنان تهدید آمیز رحیم صفوی، مجدداً جنبش مردمی را به هوشیاری و مقاومت در برابر ترفندهای ارتجاع فراخوا ندیم. سخنان رحیم صفوی، در نشست دانشجویی ۱۲ خرداد، به شکل روشنی از نقشه های شوم و پلید رژیم سرکوبگر بر ضد جنبش مردمی، برده و بر می داشت.

رحیم صفوی، در این سخنان، از جمله گفت: «من هشدار دادم. سپاه یک مجموعه بسیار پیچیده است و با کمک همین مجموعه خیلی از عناصر گروه سوم را شناسایی کرده، اما در عین حال دست آنان را نیز باز گذاشته تا گروه و روزنامه درست کنند، ولی ما سر بزنگاه به سراغشان می رویم... من در قم در مصاحبه اخیرم با نشریه پیام انقلاب گفتم که زمانش که رسید، میوه را خواهیم چید. میوه را باید گذاشت تا برسد. الان آن میوه کال است. خوب که رسید به دست شما بسجی ها می چینیم...» و در جای دیگر، با تأکید بر اینکه رژیم حتی پیش بینی درگیری و سرکوب خونین مردم را نیز کرده است، صفوی می گوید: «هنگامی که زمانش فرا رسد، با کنار زدن نقابهای این گروه، دست های بیگانه را در پشت این قلم ها و نقاب ها نشان می دهیم. برخی از این گروه ها هم اکنون در حال جمع آوری اسلحه هستند، ما جواب اسلحه آنان را نیز با اسلحه خواهیم داد...» صفوی در انتهای سخنانش، ضمن طرح غیر مستقیم این مسأله که او دولت خاتمی را به رسمیت نمی شناسد، تأکید می کند که، حرکات و اعمالش با اطلاع و تأیید «ولی فقیه» است. صفوی می گوید: «وقتی من می بینم یک جریان توطئه فرهنگی برافشا، حق خود می دانم که از انقلاب در برابر این جریان دفاع کنم. فرمانده من مقام معظم رهبری است و ایشان مرا منع نکرده اند...».

بر اساس گزارش های رسیده، در هفته های اخیر نیز بار دیگر ملاقات های پنهانی متعددی در تهران و قم، بین رهبران رژیم از جمله رفسنجانی و خامنه ای، برای بررسی و تصمیم گیری در مورد تحولات کشور و نجات رژیم «ولایت فقیه» از بحران تعمیق یافته، انجام گرفته است. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در اعلامیه ای که روز چهارشنبه ۲۳ دی ماه، در تهران منتشر کردند، در افشای گوشه ای از همین تلاش ها، از سفر عده ای، از جمله جنتی، به قم برای گرفتن حکم عدم کفایت خاتمی، خبر دادند. خامنه ای نیز در سخنان تهدید آمیزی در نماز جمعه ۱۸ دی ماه، ضمن فراخواندن نیروهای سرکوبگر به «نباختن روحیه خود» و «حفظ سنگر ها»، از جمله گفت که دشمنان «نظام» فکر نکنند هر کاری بخواهند می توانند بر ضد «نظام» انجام دهند. حسینینیان، رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی، و از مزدوران و شکنجه گران رژیم، نیز در برنامه تلویزیونی «چراغ» ضمن دفاع سرسختانه از ارتجاع و متهم کردن جناح خاتمی به سازمان دهی قتل ها، از سپاه و دیگر نیروهای مسلح خواست تا خود را برای دفاع از «نظام» آماده کنند. بیانیک، نماینده مجلس شورای اسلامی، از اهواز، در ارزیابی سخنان نامبرده، بر این نکته تأکید کرد که: «با توجه به اینکه حسینینیان از نیروهای سپاه و اطلاعات خواست تا در مقابل جریانان اخیر مهجوشوند، به نظر می رسد که این جریان را باید به عنوان آماده شدن گروهی برای کودتا در کشور قلمداد کنیم.» همچنین بر اساس گزارش روزنامه کیهان، پنجشنبه ۲۴ دی ماه، «جمع کثیری از جوانان و مردم حزب الله قم با تجمع در مقابل اداره کل اطلاعات قم مراتب قدردانی خود را از سخنان حکیمانه مقام رهبری و عملکرد شجاعانه وزارت اطلاعات ابراز نمودند.» به نوشته کیهان، تظاهر کنندگان که شعار می دادند: «مرگ بر قلم به دست مزدور»، «وزیر انقلابی حمایت می کنیم» و «مرگ بر منافق داخلی»، خواستار برخورد قاطع با جریان «ضد ولایت فقیه» شدند. بر اساس همین گزارش «یکی از روحانیان حوزه علمیه قم، در این اجتماع با شکوه ضمن سخنانی اظهار داشت: سکوت و آرامش وظیفه ماست ولی شناساندن چند نفر که فتنه انگیزی می کنند کار ساده ای است. ما با اندک اشاره مقام ولایت ریشه این نسل خبیث را خواهیم کند.»

با توجه به این مجموعه از داده ها، و همچنین ماهیت عمیقاً ضد مردمی و جنایتکارانه نیروهای ارتجاعی و مدافع «ولایت مطلقه فقیه»، حزب توده ایران بار دیگر نیروهای مردمی را به هوشیاری و آمادگی برای مقابله با توطئه های رژیم فرا می خواند. از جنبش عظیم مردم در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و نه، تاریخی توده ها به «ذوب در ولایت» و ادامه سیاست های خائمان برانداز و ضد ملی، نزدیک به دو سال گذشته است. توده ها هر روز، بیش از پیش، به تجربه در می یابند که حلقه اساسی زنجیر حفظ ارتجاع و استبداد در میهن ما، «ولایت فقیه» و سلطه یک فرد بر همه نهاد ها و ارگان های قانونی و منتخب مردم است. همین استبداد مطلقه است که فرمان قتل و ترور دگر اندیشان را صادر می کند و همین ارتجاع و واپس گرایی است که مصمم است تا با توسل به هر جنایتی اجازه ندهد خواست و آرمان های مردمی، همچون آزادی و عدالت اجتماعی، در میهن ما تحقق یابد. امروز بیش از هر زمان دیگری، انگشت اتهام به سوی نهاد «ولایت»، یعنی مرکز اساسی قدرت سیاسی در ایران، نشانه رفته است، و روشن گردیده است که با ادامه این ساختار، امید به تحول از «بالا» سرابی بیش نیست. تحولات کشور، نشانگر آغاز دوران مهم و سرنوشت سازی در تاریخ بیست ساله اخیر ایران، از انقلاب بهمین تاکنون، است. اگر جنبش مردمی، نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور نتوانند با حفظ وحدت و تحکیم صفوف خود، توطئه و ترفند های ارتجاع را خنثی کنند، آن وقت می توان به تحولات بنیادین در راه دست یابی به آزادی و عدالت اجتماعی امیدوار بود. امروز پایگاه اجتماعی و طبقاتی مدافعان ارتجاع و واپس گرایی، بیش از پیش، محدود و تضعیف گردیده است. جنبش مردمی می تواند با بهره گیری از این موقعیت، استبداد حاکم را به عقب نشینی وادار کند. باید جبهه واحد ضد دیکتاتوری را در مقابل جبهه واحد ارتجاع، ایجاد کرد و زمینه را برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در ایران فراهم آورد. ایماذ توطئه ننگین و رسوای قتل های زنجیره ای اخیر توسط انصار «ولی فقیه» فقط در حد قتل چند انسان دگراندیش در میهن ما نبوده است، بلکه نشانگر عمق فساد، خودکامگی و توهم قرون وسطایی عنان گسیخته سازمانگران این توطئه است. «ولی فقیه» و انصارش تمام تلاش خود را به کار می برند که رد پای این جنایت گم شود و اگر بتوان آن را بر عهده نیروهای طرفدار خاتمی گذاشت. اینک با فرود آمدن این ضربه ویرانگر بر بیکر باقیمانده اعتماد مردم، ورطه غیر قابل عبوری بین جناح های حکومتی و بین مردم و رژیم به وجود آمده است. «چون باور و آگاهی مردم، داوری خود را به ضرر سازمان دهندگان اصلی این توطئه انجام داده، ولی فقیه» و انصارش خود را در بن بتسی می بینند که راه نجات از آن توسل به قهر و نیروی سرکوبگر است. تنها آمادگی و عزم توده ها برای مقابله با توطئه سرکوب جنبش مردمی می تواند از تحقق و عملی گردیدن این خیانت بزرگ ملی بر ضد مردم و میهن ما جلوگیری کند.

ادامه: اروپا، وحدت مالی

واقع شده است. بنا به این تعریف، پول یکباره پدید نیامده و صرفاً نوعی قرارداد بین طرفین معامله نیست. پول بر اثر تکامل مبادله و تولید کالایی پدید شده و حاصل نیازمندی های آن است. پول کالایی ویژه ای است که از جمع دیگر کالاها جدا شده و نقش معادل همگانی را بر عهده دارد. در طول سده های متوالی که مبادله کالا جریان داشته، ارزش کالا اشکال گوناگون به خود دیده تا اینکه شکل پولی ارزش، پدید آمده است.

تبدیل کار انفرادی به کار اجتماعی توسط پول انجام می گیرد، که تجسم مستقیم کار اجتماعی لازم و مقیاس اندازه گیری آن است. پول نه یک قرارداد ساده میان دو طرف معامله، بلکه به عبارتی رابطه میان تولید کنندگان است، و مناسبات آنها با یکدیگر را معین می سازد. پول وظایف مختلفی را از جمله، اندازه گیری ارزش ها، وسیله گردش، وسیله زراندوزی، و وسیله پرداخت، و سرانجام پول جهانی را به عهده می گیرد. در مورد وظیفه پول جهانی، اقتصاد سیاسی مارکسیستی روشن می سازد که تکامل تولید کالایی و گسترش بازرگانی بین کشورهای گوناگون، وظیفه تازه ای را می آفریند که عبارتست از نقش پول جهانی. پول، پوشش ملی را به دور می افکند و نقش جدیدی را بر عهده می گیرد.

با توجه به آنچه در بالا توضیح داده شد، وحدت مالی اروپا، از دیدگاه مارکسیستی را چگونه می توان توضیح داد؟ به گمان ما، وحدت مالی و ارزش مشترک و معتبر اروپایی را در بطن تحولات جهان سرمایه داری در سال های باید ارزیابی کرد. با فروپاشی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم در اروپا، تناسب نیروها در سطح جهان به سود امپریالیسم تغییر کرد. این تغییر به نوبه خود، تضادهای میان قطب های چند گانه سرمایه داری جهانی را تشدید کرد. ایالات متحده آمریکا و کانادا از یک سو، در پیمان واحدی تمرکز یافتند، و از سوی دیگر کشورهای عضو بازار مشترک اروپا، روند ایجاد یک فدراسیون واحد در اروپا را آغاز کردند. ژاپن، مجموعه سیاست های مالی و اقتصادی خاصی



نتایج قابل پیش بینی !!

بر اساس آمار منتشر شده از سوی کمیسیون انتخاباتی قزاقستان، ۸۵ درصد مردم این کشور در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰ دی ماه، شرکت کردند. رهبران گروه های اپوزیسیون و ناظران بین المللی از مدتها پیش اعلام کرده بودند که به دلیل شیوه برگزاری انتخابات، از سوی نظریات، نتایج آن از قبل قابل پیش بینی است. دو تن از نامزد های جدی شرکت در انتخابات، از جمله نخست وزیر سابق این کشور، به دلیل شرکت در یک جلسه غیر مجاز از شش ماه پیش در زندان بسر می بردند و بدین ترتیب از شرکت در انتخابات محروم شدند. نکته قابل توجه دیگر اینکه، مجلس این کشور با حمایت از خواست نظریات، انتخابات ریاست جمهوری را دو سال پیش از موعد مقرر برگزار کرد. نامزد حزب کمونیست قزاقستان، سرکولسن عبدالدین، ۱۳/۵ درصد آراء را به خود اختصاص داد.

پایان راه یلتسین

گنادی زوگائف، رهبر حزب کمونیست فدراسیون روسیه، در روز ۲۳ دی ماه گفت که رأی گیری در دوما برای برکناری بوریس یلتسین، در ماه آینده انجام خواهد گرفت. او فاش کرد کمیته ویژه ئی در دوما پنج اتهام گوناگون را برای برکناری یلتسین مورد بررسی قرار داده است و بزودی گزارش کار خود را منتشر خواهد کرد. به گفته زوگائف، دستور آغاز جنگ در چین بر خلاف قانون اساسی، یکی از موارد پنجگانه اتهام یلتسین است. بر اساس همین گزارش این اتهام شانس کسب ۳۰۰ رأی لازم برای برکناری یلتسین را دارد. برکناری یلتسین مستلزم رأی بیش از دو سوم اعضای دوماست، که ۴۵۰ نفر عضو دار. لیبرال ها، کمونیست ها و نیروهای ناسیونالیست از اتهام آغاز غیر قانونی جنگ چین بر ضد یلتسین حمایت می کنند. از جمله چهار اتهام دیگر یلتسین، تجزیه اتحاد شوروی، قتل عام مردم روسیه، می باشد. بر اساس قانون اساسی روسیه، حتی

اگر دوما به برکناری یلتسین رأی بدهد، از آنجا که دادگاه قانون اساسی این کشور و شورای فدراسیون روسیه نیز این رأی را باید تأیید کنند، احتمال برکناری یلتسین بسیار ضعیف است. در روزهای اخیر با بستری شدن مجدد یلتسین در بیمارستان، موضوع استعفای و کناره گیری او به دلیل عدم توانایی جسمانی بازتاب وسیعی در رسانه های گروهی داشت.

سیرالئون در آتش

بر اساس گزارش خبرگزاری های جهان، بار دیگر از اولین روزهای سال نو مسیحی، آتش جنگ داخلی در سیرالئون شعله ور شده است. نیروهای نظامی شورشی وفادار به فردای سانکوه، رهبر «جبهه متحد انقلابی»، با یورش به شهر «فری تاون»، پایتخت این کشور، آن را به آتش کشیدند. سانکوه که در حال حاضر در بازداشت به سر می برد، در مهرماه، به جرم خیانت، به مرگ محکوم شده است. سانکوه، در مذاکرات خود با میانجی گران تمایل خود را به صلح ابراز کرده و گفته است که هیچ راه حل نظامی برای کشور وجود ندارد. سانکوه خواستار قانونی اعلام شدن «جبهه متحد انقلابی»، از سوی دولت است. آزادی سانکوه یکی از شروط اساسی نیروهای شورشی است. سام بخارائی، فرمانده نیروهای شورشی اعلام کرده است که تا هنگامی که به صورت رو در رو با سانکوه دیدار نکرده است، به درخواست آتش بس پاسخ مثبت نخواهد داد. نیروهای نظامی خارجی، که عمدتاً شامل نیروهای نظامی نیجریه ای می باشند و از دولت سیرالئون حمایت می کنند، پس از غافلگیری اولیه توانستند کنترل شهر «فری تاون» را مجدداً به دست گیرند. دولت سیرالئون در سال ۱۹۹۶ توسط یک کودتای نظامی سرنگون شد. پزیدنت احمد کبه، رئیس جمهوری منتخب سیرالئون، در بهمن ماه سال گذشته توانست با حمایت نیروهای نظامی نیجریه خونتای نظامی حاکم را شکست داده و کنترل اوضاع را در دست گیرد. نیروهای «جبهه متحد انقلابی»، هواداران خونتای نظامی سرنگون شده می باشند.

ادامه: اروپا، وحدت مالی و پول واحد

برای رویا رویی با دیگر قطب های سرمایه داری اتخاذ کرد. شکل گیری سازمان بازرگانی جهانی به جای گات، و گسترش جویب پیمان تجاوز کار ناتو، از زمره تغییرات چشم گیر در سال های پس از فروپاشی سوسیالیسم در اتحادشوروی و اروپا اند. در کنار این عامل، پیدایش تغییرات ساختاری گسترده و ژرف در اقتصاد کشورهای امپریالیستی، نیز نکته ئی ست که به آن باید توجه جدی و موشکافانه داشت. این تغییرات ساختاری، به میزان قابل توجه و فوق العاده ئی چهره سرمایه داری را دگرگون ساخته است. سیمای سرمایه داری کنونی در آستانه هزاره سوم، دارای تفاوت های مهم با سال های ابتدا و میانی سده بیستم است.

اگر در مرحله اول رشد سرمایه داری اساسی ترین نمودار رشد نیروهای مولده را گسترش صنایع فلزی و راه آهن تشکیل می داد، در مرحله دوم مشخصه رشد نیروهای مولده در سرمایه داری گسترش اتوماسیون - صنایع شیمیایی و انرژی هسته ای بود. در مرحله کنونی، شاخص رشد نیروهای مولده سرمایه داری گسترش انفورماتیک، نرم افزارها، صنایع کیهانی و شیمی ژنتیک است. ناموزونی رشد این رشته ها در مرحله کنونی در اقتصاد کشورهای سرمایه داری پیشرفته، منجر به شکل گیری آرایش نوینی در تناسب نیروها در عرصه بین المللی شده است. با توجه به دو عامل پیش گفته، شکل گیری اتحادیه اروپا و وحدت مالی آن، بر پایه این واقعیت ها می باید مورد ارزیابی قرار گیرد.

قطب بندی های جدید، زائیده تشدید تضادهای سرمایه داری است. اشکال بروز و تظاهر این تضادهای درونی، گوناگون است. به همین دلیل باید خاطر نشان کرد که وحدت مالی اروپا و یا هر نوع وحدت مالی و اقتصادی در قطب های امپریالیسم نه گواهی «قدرت» و «بقاء جاودانی» سیستم ضد انسانی سرمایه داری، بلکه تلاش برای غلبه بر بحران های درونی و دست یافتن به برتری اقتصادی در تقابل با قطب های دیگر آن است.

بحران نظام پولی امپریالیسم، نمودار روشن بحران در اقتصاد جهان سرمایه داری است. از تشکیل صندوق بین المللی پول در سال ۱۹۴۴ میلادی در کنفرانس بین المللی برتون وودز، برای احیاء نظام پولی جهانی، تا به امروز، نظام سرمایه داری هرگز نتوانسته بر بحران های ادواری خود غلبه کند. مارکس، انگلس و لنین بارها متذکر شده بودند که بحران های اقتصادی نتیجه تضادهای درونی سرمایه داری است که هر چند گاه یکبار تظاهر می کند. یکی از ویژگی های بحران اقتصادی سرمایه داری، بحران انباشت تولید است. به عنوان نمونه این بحران در دهه ۸۰ میلادی، در ایالات متحده آمریکا، به آن حد رسید که خزانه داری کل آمریکا اعلام کرد، در حال حاضر ۴۱ درصد از ظرفیت تولید ایالات متحده را کد مانده است.

تضادهای میان قطب های سرمایه داری، بر پایه تجربه تاریخی - علمی، قاعدتاً باید شدت یابد. بر این اساس، وحدت مالی اروپا و ارز مشترک اروپایی «یورو» قادر نخواهد بود مسأله بحران مالی را حل کند و بر مشکل نوسانات ارزی در بازار سرمایه داری فایق آید! بحران ژرفش خواهد یافت و بر بستر آن مبارزه میلیون ها انسان برای رهایی از چنگال مرگبار سرمایه داری گسترش پیدا خواهد کرد. تاریخ سرمایه داری، اثبات کرده است که این نظام غیرعادلانه قادر به حل معضلات جهان و تامین سعادت برای انسان ها نیست. مبارزه طبقاتی حاد در آینده، واقعیتی است که حتی اندیشه پردازان سرمایه داری آن را پیش بینی می کنند.

سده بیست و یکم دوران تشدید تضادهای سرمایه داری و در نتیجه آغاز مرحله نوینی در مبارزه طبقاتی خواهد بود.

بر پایه آمار منتشره از سوی منابع معتبر جهانی، اتحادیه اروپا با اختصاص بیش از ۲۰ درصد از صادرات جهان به خود، در صدر کشورهای صادر کننده جهان قرار دارد. آمریکا با ۱۶ درصد و ژاپن با ۱۰ درصد، در مکان های دوم و سوم قرار دارند. تولید ناخالص ملی، یازده کشور اتحادیه اروپا که به وحدت مالی رسیده اند، بیش از ۶۰۹۰ میلیارد دلار است. این یازده کشور اروپایی ۲۰/۶ درصد از کل ذخیره طلا و ارز جهان را در اختیار دارند و در بالاترین پلکان از این نظر قرار می گیرند، همچنین بر اساس ارزیابی کارشناسان اقتصادی اروپا، یازده کشور اتحادیه اروپا، ۲۷ درصد بازرگانی جهانی، یک سوم ذخایر جهان و ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و ۶ درصد جمعیت کره زمین را شامل می گردند.

کلید این آمار و ارقام نشانگر شکل گیری، قوام و سمت گیری یک قطب نیرومند و مدعی، در جهان سرمایه داری است. کارشناسان اقتصادی سرمایه داری و اندیشه پردازان وحدت مالی و تشکیل «یورو»، کوشش بسیاری می کنند تا ثابت کنند که رواج پول واحد نوعی از پیروزی سرمایه داری در آستانه سده بیست و یکم، و گواهی تام و تمامی بر اعتبار، توانایی و «بقاء جاودانی» آن است. این دسته از اندیشه پردازان مدافع سرمایه داری، برای اثبات دلایل خود، به همان تعاریف کهنه و البته با ظاهری «نو و مدرن» متوسل می شوند. در این باره، الک نه رلم فالسی، رئیس نهاد پولی اروپا، پیش از تشکیل بانک مرکزی واحد، در گفتگویی با مجله نیوزویک، در پاسخ به این پرسش که «یورو برای اروپا چه معنایی دارد؟» می گوید: «... از نقطه نظر اقتصادی مهمترین واقعیت این است که نوسانات ارز وجود نخواهد داشت. یک بازار آزاد با جریان آزاد کالاها، خدمات، افراد و سرمایه نیاز به یک ارز واحد دارد. نوسانات ارز منشاء مشکلاتی بین کشورهای اروپایی اند...» وی سپس در همین مصاحبه اضافه می کند: «ما یک تعریف بسیار روشن حقوقی از «یورو» در ارتباط با بقیه ارزها خواهیم داشت، بدین معنا که یورو، ارز همه اتحادیه اروپا خواهد بود... یورو جایگزین دلار نخواهد شد، بلکه آن را کامل خواهد کرد. برای یک رقابت اصیل با دلار، ما مجبوریم یک بازار مالی اروپایی گسترش یافته داشته باشیم...».

سخنان این کارشناس اقتصادی و یکی از مسئولین ارشد وحدت مالی اتحادیه اروپا، تعریف کلاسیک و شناخته شده ثنی در اقتصاد سیاسی سرمایه داریست. بنا به این تعریف، پول تنها یک قرار داد است که میان خریداران و فروشندگان بسته می شود. این تعریف ماهیت روابط سرمایه داری و نیز سرشت پول و نقش آن در جهان را لاپوشانی می کند. پول، مراحل پیدایش و ماهیت آن در اقتصاد سیاسی مارکسیستی به طور مشخص و علمی بیان و تعریف شده است. کارل مارکس، در پژوهش های ارزنده اقتصادی خود با بهره گیری از اسلوب دیالکتیک در ارزیابی پدیده ها، ماهیت و نقش پول را روشن ساخته است. این تعریف مارکس امروزه حتی از سوی بسیاری از مراکز علمی معتبر در کشورهای سرمایه داری مورد قبول

ادامه در صفحه ۶

کمک مالی رسیده

۵۰۰ فرانک

کیوان از پاریس

ادامه: اروپا، وحدت مالی و پول واحد

سرمایه داری اروپا با سرمایه داری آمریکا و ژاپن ایجاد می کند. وجود یک بازار یکپارچه و کاملاً توسعه یافته با ۲۹۰ میلیون نفر جمعیت و با پول، سیاست و سیستم بانکی واحد، توان عظیمی را برای سرمایه داری اروپا، در شرایط «جهانی شدن» بیش از پیش سرمایه داری پدید می آورد.

● زمینه های پیدایش «یورو»

در سال ۱۹۹۱ میلادی، کشورهای عضو بازار مشترک که سپس به اتحادیه اروپا تغییر نام داد، با انعقاد پیمان مشهور به ماستریخت، زمینه های همگرایی مالی و ایجاد پول واحد - «یورو» را فراهم آوردند. بر اساس پیمان ماستریخت، کشورهای عضو اتحادیه اروپا، موظف شدند که برای ایجاد یک ارز معتبر در مقیاس جهانی، سلسله اقداماتی را انجام دهند. در قرار داد فوق، برقراری ثبات اقتصادی و تحقق پنج شرط اقتصادی - مالی برای عملی شدن این روند ضرور اعلام شده بودند. این شروط عبارتند از:

۱. کاهش کسری بودجه سالانه به زیر دو درصد تولید ناخالص داخلی،
۲. کاهش بدهی های دولتی به زیر ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی،
۳. عدم نوسانات ارزی به مدت حداقل ۲ سال،
۴. عدم افزایش نرخ تورم از مرز ۱/۵ درصد بطور میانگین،
۵. عدم افزایش نرخ بهره بلند مدت از مرز ۲ درصد، با توجه به استانداردهای مقرر در اتحادیه اروپا.

با وجود تغییر برخی از این شرایط، تحقق این شروط برای مردم و زحمتکشان اروپا مصائب اجتماعی - اقتصادی فراوانی به همراه داشته است. انحصارات قدرتمند سرمایه داری و محافل بزرگ مالی، با فشار شدید و تعرض بی سابقه به دستاوردهای اجتماعی مردم در کشورهای عضو اتحادیه اروپا، زمینه های لازم را برای تشکیل پول واحد شالوده ریزی کردند.

به طور مثال، در آلمان به عنوان اصلی ترین مدافع وحدت مالی اروپا، بسیاری از حقوق شهروندان پایمال گردید. دولت آلمان بر پایه یک برآورد رسمی برای پیوستن به وحدت مالی و تحقق شروط پیمان ماستریخت، می بایست بیش از ۵۰ میلیارد مارک، معادل ۳۳ میلیارد دلار، صرفه جویی می کرد، تا کسری بودجه خود را با معیارهای لازم برای پدید آمدن ارز مشترک اروپایی «یورو» به دست آورد. افزایش نرخ بیکاری، رکود، ژرفش شکاف میان فقرا و ثروتمندان، از جمله پیامدهای سیاست صرفه جویی بوده است. در فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، هلند و... دیگر کشورهای عضو اتحادیه اروپا، وضعیت به اشکال مختلف همانند آلمان و گاه به مراتب دردناک تر بوده است.

سرانجام در اوایل سال گذشته میلادی، کمیسیون اتحادیه اروپا، اعلام داشت که وضعیت اقتصادی حاضر ۱۵ کشور عضو، به استثنای یونان، نشانگر انطباق آنها با شروط اعلام شده در پیمان ماستریخت است. به این ترتیب بجز سه کشور انگلستان، سوئد و دانمارک یازده کشور دیگر عضو اتحادیه اروپا آغاز وحدت مالی اروپا، اعلام کردند. محافل نزدیک به کمیسیون اتحادیه اروپا، وحدت مالی و تشکیل یک ارز اروپایی معتبر و قدرتمند بنام «یورو» را یک تحول چشم گیر در عرصه جهانی ارزیابی می کنند.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:549

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

19 January 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴ ۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse